

بررسی و مقایسه نگرش
والدین و نوجوانان دختر در مورد

نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری نوجوان در شهر تهران

پژوهشگر: اختر ابراهیمی و همکاران*

سال پژوهش: ۱۳۶۸

نفر دختر نوجوان در سنین ۱۹-۱۴ سال از مدارس منتخب واقع در چهار منطقه شمال، جنوب، مشرق و مغرب شهر تهران از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و والدین همین گروه نیز در این پژوهش شرکت داشته‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بوده است که توسط پژوهشگر تهیه و تنظیم شده است.

و مقایسه نگرش والدین و نوجوان دختر در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری آنها است. در این پژوهش ۱۶۰ نفر مادر، ۱۶۰ نفر پدر و ۱۶۰ نفر دختر نوجوان شرکت داشتند. بدین ترتیب که ۱۶۰

چکیده پژوهش

این پژوهش یک مطالعه زمینه‌ای بوده که به منظور بررسی و مقایسه نگرش والدین و نوجوانان دختر در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری نوجوان در شهر تهران

* دکتر محمد مجد تیموری، روانپزشک و روان درمانگر

دکتر بهروز بیرشک، روانشناس

پرویز کمالی، استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه تهران



توزیع و جمع آوری پرسشنامه‌ها از طریق مراجعه پژوهشگر به دبیرستانها انجام گردید.

یافته‌ها و نتایج این بررسی نشان داده است که متغیرهایی از قبیل سن، میزان تحصیلات، شغل، تعداد کل فرزندان و منطقه جغرافیایی محل سکونت پدران و مادران در نحوه نگرش آنها تأثیری نداشته است، همچنین متغیرهایی از قبیل سن، رشته تحصیلی، تعداد دوستان صمیمی، چندمین فرزند خانواده و محل جغرافیایی سکونت در نگرش نوجوانان دختر تأثیری نداشته است. نگرش پدران با دختران نوجوانشان بررسی و مقایسه گردید که بطور کلی اختلافهایی بین نگرش آنها وجود داشت. نگرش مادران و دختران نوجوانشان نیز مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت که اختلافهایی بین نگرش آنها وجود داشت. یافته‌های بدست آمده از این پژوهش نمایانگر این مطلب است که بطور کلی نگرش پدران با دختران نوجوانشان و همچنین نگرش مادران با دخترانشان در مورد نقش گروه همسال در تصمیم‌گیری نوجوان با یکدیگر فرق داشته است.

زمینه پژوهش

نوجوانی به دوره گذر از کودکی به بزرگسالی اطلاق می‌شود. این دوره مرزهای سنی مشخصی ندارد، اما تقریباً از ۱۲ سالگی آغاز می‌گردد و تا آخرین سالهای دهه دوم زندگی که رشد جسمانی کم و بیش کامل می‌شود، ادامه می‌یابد. در این دوره نوجوان به بلوغ جنسی دست می‌یابد، هویت فردی خود را جدا از

هویت خانوادگی بنا می‌نهد و با مسئله نحوه تأمین معاش خود روبرو می‌شود. (اتکینسون و دیگران^۱، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰).

گذر تدریجی به دوران بزرگسالی، امتیازات چندی را در بردارد. این دوره گذر زمان طولانی‌تری را برای کسب مهارتها و آماده شدن برای نسل آینده در اختیار جوانان می‌گذارد، اما در عین حال معمولاً دوره‌ای است آکنده از تعارض و نوسان بین وابستگی و استقلال، در شرایطی که فرد در خانه والدینش زندگی می‌کند و از حمایت مالی آنها برخوردار است، به دشواری می‌تواند، به طور کامل، احساس خود بسندگی کند.

یکی از مسائل عمده‌ای که نوجوان با آن روبرو می‌شود مسئله مشکل‌گیری هویت فردی او است و این بدان معنا است که او باید برای سئوالهایی نظیر «من کیستم» «به کجا می‌روم» پاسخی بیابد. جستجوی هویت شخصی متضمن این است که شخص تشخیص دهد که برای او چه چیزهایی مهم و چه کارهایی ارزشمند است و نیز متضمن این است که شخص تشخیص دهد که برای او چه چیزهایی ارزشمندی است و نیز متضمن تنظیم معیارهایی است که وی بر اساس آنها بتواند رفتار خود و دیگران را هدایت و ارزیابی کند، علاوه بر اینها، این جستجو، تکوین احساس خود شکوفایی و شایستگی را نیز در برمی‌گیرد. (انکینسون و دیگران، ۱۳۶۶، ص ۱۷۱).

احساس هویت شخصی بتدریج

بر پایه همانند سازیهای گوناگون دوران کودکی تکوین می‌یابد. ارزشها و معیارهای اخلاقی کودکان خرد سال تا حدود زیادی همان است که والدین آنها نیز دارا هستند. اصولاً احساس عزت نفس در کودکان از نگرش والدینشان نسبت به آنها نشأت می‌گیرد. با ورود به دنیای وسیع تر دبیرستان، کودکان به صورت فزاینده‌ای به ارزشهای گروه همسالان خود و همچنین ارزشیابیهای معلمان و سایر بزرگسالان ارجح می‌نهند. نوجوانان از راه جمع بندی این ارزشها و ارزشیابیها می‌کوشند تا تصویر یکپارچه‌ای از خود بدست آورند. هراندازه ارزشیابی که از سوی والدین، معلمان و همسالان ابراز می‌شود همخوانی بیشتری با هم داشته باشند به همان نسبت کار هویت یابی نوجوان آسانتر پیش می‌رود.

گروه همسال نقش حیاتی در تکامل روانی اکثر نوجوانان بازی می‌کند بعلاوه، تغییرات اخیر در ساختار جامعه، افزایش سن در جامعه، تغییر شبکه‌های ارتباطی بین نوجوانان، طولانی تر شدن زمان ورود به جامعه بزرگسالی بر اهمیت و تأثیر گروه همسال افزوده است. با وجود این، توجه به این امر مهم است که نباید در مورد اهمیت نقش گروه همسال مبالغه کرد یا به طور کلی از اهمیت نقش خطیر والدین و جامعه کاست (ماسن و دیگران^۲، ۱۹۸۳، ص ۳۹۸).

نوجوانان از فرهنگ حاکم بر گروه همسال پیروی می‌کنند. ماسن و دیگران در این رابطه معتقدند که در دوره نوجوانی، گروه همسال عامل

شدن رفتار صحبت کنند و به همین سبب آنها افرادی ناتوان در مورد مداخله در امور فرزندانشان قلمداد شده و غالباً از احساس گناه رنج می‌بردند بر عکس مادرانی که دخترانشان بطور درست و مثبت تطابق یافته بودند، از مشاهده هر گونه علائم مربوط به بلوغ آنها خوشحال می‌شدند و شکستها و طرز فکر ویژه دخترانشان را عاری از هیجان و تحریک پذیری قبول می‌کردند و با دخترانشان برخوردی آزاد (بدون کنترل شدید) و عاری از تنش و اضطراب داشتند (مجله روانشناسی رشد و تکامل، ۱۹۸۶، ص ۱۲۶).



پر واضح است که محیط خانه و رفتار والدین اهمیت اساسی در طول رشد و تکامل فرزند دارد، زیرا محیط خانواده اولین محل اجتماعی شدن فرزندان است و یادگیری ارزشها در این محیط انجام می‌گیرد، از طرف دیگر مسئله نوجوانی و بلوغ و رفع نیازمندیهای نوجوانان، امروز در کلیه کشورهای جهان از ممالک متمدن تا در حال توسعه به صورت یک مسئله حاد و تربیتی در آمده است و در حقیقت یکی از مشکلات مهم زندگی اجتماعی بشمار می‌رود. خصوصاً اینکه روز به روز بر تعداد نوجوانان افزوده می‌شود که به قول خانم و آقای کرو ۳ در عصر حاضر بیشتر از $\frac{1}{3}$ جمعیت جهان را تشکیل داده‌اند. طبق آماری که در سال ۱۹۶۵ در کشور فرانسه گرفته شده است، یک سوم جمعیت فرانسه یعنی ۱۶ میلیون نفر زیر ۲۰ سال، سن داشته‌اند (خسرو پور، ۱۳۵۳، ص ۱۵).

در این دوره بحرانی و حیاتی زندگی نوجوان به منظور یافتن هویت مستقل از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مورد نگرش والدین نسبت به فرزندان، تحقیقی در آمریکا انجام گرفته و سعی شده که اختلاف نگرش بین مادران دختران دانشگاه آمریکایی که تطابق مثبت یا منفی داشتند، بررسی شود. بیان اینکه تا چه حد علت و معلول با هم ادغام شده، مشکل است، اما نگرشها به عبارت زیر توصیف شده است.

مادرانی که دخترانشان بطور منفی و ناصحیح تطابق یافته بودند از نظر روحی وابستگی و چسبندگی به دخترانشان داشتند آنها یا قاطعانه دختران را کنترل کرده و یا به آنها اجازه آزادی کامل را می‌دادند، این مادران علائم غم و اندوه را در زندگی روزمره نشان می‌دادند و قادر نبودند با دخترانشان درباره بهتر

مهمی در ارتقاء انگیزش جهت پیروی از ارزشها، آداب و رسوم و سرگرمیها محسوب می‌شوند. آنها می‌افزایند این نظریه که ارزشهای گروه همسال و والدین لزوماً ناسازگار هستند، حداقل در مورد اکثر نوجوانان صحیح نمی‌باشد. معمولاً بین ارزشهای والدین، نوجوانان و گروه همسال نوجوان مشابتهای قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.

گروه همسال در واقع ممکن است ارزشهای والدین را تقویت کنند که باید در مورد تاکید بر اختلافات محتاط بوده و بیشتر بر تشابهات تاکید شود. اختلافهای مشهود ممکن است نسبتاً آشکار، اما در واقع بالنسبه سطحی باشد (مثلاً در مورد موسیقی، سرگرمیها، سلیقه‌ها). (ماسن، کانگر و کاگان، ۱۹۷۹، ص ۳۴۱ و ۳۴۲).

نگرشها و عملکردهای والدین



اکرمی (۱۳۶۶) اعلام نمود که طبق آمار سال ۱۳۶۶، قریب به ۶۶۱۳۵۷ نفر دانش آموز پسر و ۵۰۳۷۲۲ نفر دانش آموز دختر در دبیرستانها مشغول به تحصیل هستند (روزنامه کیهان، ۱۴ اسفند ۱۳۶۶، ص ۶).

دفتر روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۸) اعلام کرد که طی ده سال گذشته، جمعیت دانش آموزان کشور از حدود ۸/۵ میلیون نفر به بیش از ۱۳ میلیون نفر افزایش یافته است. جمعیت دانش آموزان در سال ۱۳۵۷، در حدود ۲۳ درصد جمعیت کل کشور بوده و در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۵ درصد جمعیت کل کشور رسیده است. بطور کلی جمعیت دانش آموزان کشور، هر پانزده سال تقریباً دو برابر می شود (روزنامه اطلاعات، ۱۴ آبان، ۱۳۶۸، ص ۶).

نکته حائز اهمیت در این میان، آن است که با توجه به افزایش تصاعدی تعداد دانش آموزان، مسائل آموزش و پرورش کشور در آینده به صورت یک مشکل اصلی درآمده که متعاقباً مسائل و نیازهای نوجوانان کشور نیز افزایش خواهد یافت.

لذا با توجه به اهمیت مسائل و نیازهای نوجوانان و نقش گروه همسال در زندگی آنها، پژوهشگر به بررسی و مقایسه نگرش والدین و نوجوانان در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم گیری نوجوان پرداخت زیرا روانپرستاران، روانشناسان و سایر اعضای تیم بهداشت روانی برای پیشگیری از بروز بیماریهای روانی و بحرانهای

رفتاری و ناسازگاریهای نوجوانان نیاز به مطالعه عمیق در زمینه اختلالات روانی و ناسازگاریهای نوجوانان دارد که مطالعه نگرش والدین و نوجوانان اطلاعاتی را جهت بررسی و شناخت و ریشه یابی علت های مشکلات نوجوانان به دست می دهد.

گرایش و دلبستگی نوجوان به گروه و اجتماع همانقدر که می تواند در کسب هویت و استقلال طلبی او را یاری دهد، می تواند عاملی برای کسب هویت منفی و در نتیجه سقوط و انحراف باشد و یا به طور کلی

می توان گفت هدفهای گروههای اجتماعی با یکدیگر متفاوت می باشد (خسرویپور، ۱۳۵۳، ص ۲۰۹). لذا یافته های این پژوهش

می تواند از طریق فامیل درمانی به پرستاران بهداشت روانی کمک کند تا آنان با مشکلات نوجوانان و والدین آشنا شده و با برقراری تماس نزدیک و جلسات مشاوره و راهنمایی برای کلیه اعضای خانواده، والدین و نوجوانان، آنها را با مسائل و مشکلات نوجوانان آشنا سازند. پرستاران بهداشت روانی می توانند مسائل مربوط به تغییرات دوران



بلوغ و مشکلات مالی، عاطفی، اجتماعی نوجوانان را با تشکیل گروه به ویژه گروه‌های نوجوانان مرتفع سازند. با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش مربیان مدارس، مشاوران، پرستاران بهداشت مدارس، روانشناسان، درمانگران روانی با نوع نگرش نوجوانان دختر در مورد نقش گروه همسال در دوره نوجوانی آشنا شده و در نتیجه نوجوان و گروه همسالش را دقیق‌تر هدایت کنند و با تشکیل برنامه‌های آموزشی و تربیتی برای والدین و نوجوانان در تصحیح نگرش آنها فعالیت کنند.

اهداف پژوهش

۱- تعیین نگرش والدین در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری نوجوان در شهر تهران.

۲- تعیین نگرش نوجوانان دختر در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری آنها در شهر تهران

۳- مقایسه نگرش والدین و نوجوانان دختر در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری نوجوان در شهر تهران

فرضیه پژوهش

این پژوهش یک مطالعه زمینه‌ای^۴ است بنابراین فرضیه پژوهش عبارت است از: بین نگرش والدین و نوجوانان دختر در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری نوجوان تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش: نوع پژوهش:

این پژوهش یک مطالعه زمینه‌ای است. در پژوهش موردی و زمینه‌ای توجه محقق بیشتر به نکات و عوامل مهم و یا با معنی است که به صورتی در شناخت گذشته یا مطالعه میزان تغییرات یک مورد خاص مؤثر است و به عبارت دیگر در این پژوهش شناسایی و درک جامعی از یک دوره کامل یا قسمتی مهم از زندگی یک واحد، هدف است. این واحد مورد مطالعه ممکن است یک فرد، یک فامیل، یک مؤسسه اجتماعی یا یک جامعه باشد (نادری و سیف نراقی، ۱۳۶۴، ص ۷۳ و ۷۴).

در این پژوهش کسب داده‌ها و اطلاعات، توصیف و مقایسه‌ای از نگرش والدین و دختران نوجوانان در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری آنها در شهر تهران می‌باشد. این پژوهش شامل سه گروه واحد مورد پژوهش و دارای یک متغیر می‌باشد که از طریق فن تجزیه و تحلیل یک متغیری^۵ مورد بررسی قرار گرفته است و داده‌ها تنها یک بار از واحدهای مورد پژوهش کسب شده بنابراین کسب اطلاعات به گونه تک مرحله‌ای^۶ انجام گردیده است.

جامعه پژوهش

جامعه پژوهش را در این مطالعه والدین و دختران نوجوان آنها و ساکن در شهر تهران که واجد شرایط و معیارهای تعیین شده برای واحدهای مورد پژوهش در این مطالعه بودند، تشکیل داده‌اند.

نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری:

برای گردآوری اطلاعات کافی درباره موضوع مورد پژوهش ۱۶۰ نمونه از هر سه گروه واحد مورد پژوهش در نظر گرفته شد، نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. تعداد کل نمونه‌ها شامل ۱۶۰ مادر، ۱۶۰ پدر، ۱۶۰ دختر نوجوان بود و نمونه‌ها بدین ترتیب انتخاب شدند که ابتدا ۱۶ دبیرستان از مدارس مناطق بیست‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران بطور تصادفی انتخاب شدند. سپس پژوهشگر با مراجعه به دفتر دبیرستان و استفاده از دفتر فهرست اسامی دانش آموزان کلاس از هر ده اسم یکی را انتخاب کرد تا ۱۰ دانش آموز از هر دبیرستان که شرایط لازم برای دستیابی به اهداف این پژوهش را دارا بودند برگزیده شدند و والدین آنها نیز نمونه‌های مورد پژوهش این مطالعه را تشکیل دادند. پژوهشگر به دبیرستان منتخب مناطق بیست‌گانه آموزش و پرورش در چهار ناحیه شمال، جنوب، شرق، غرب شهر تهران مراجعه و از دختران نوجوان واجد شرایط خواست که پرسشنامه را با حوصله و دقت تکمیل و سپس ارائه دهند، همچنین از آنها خواسته شد تا پرسشنامه‌های مربوط به پدر و مادر خود را در اختیار آنها قرار داده و در موعد مقرر به پژوهشگر تحویل دهند.

محیط پژوهش

این پژوهش در ۱۶ دبیرستان دخترانه وابسته به مناطق بیست‌گانه





آموزش و پرورش شهر تهران در چهار ناحیه شمال، جنوب، شرق، غرب انجام شد که از هر ناحیه چهار دبیرستان انتخاب شده بود. علت انتخاب دبیرستانهای وابسته به مناطق بیست گانه آموزش و پرورش همگون بودن محیط پژوهشی در هنگام پاسخگویی آزمودنیها به سؤالات پرسشنامه بوده و ضمناً امکان دسترسی به نوجوانان دختر واجد شرایط بیشتر بود. نوجوانان دختر در یکی از کلاسهای دبیرستان حضور داشتند و پژوهشگر پرسشنامهها را در اختیار آنها قرار داد و بعد از پاسخگویی آزمودنیها آنها را جمع آوری کرد.

روش تجزیه و تحلیل دادهها

دادههای این پژوهش در مورد بررسی و مقایسه نگرش پدر و مادر و دختر نوجوان از نوع رتبه‌ای و گسسته بود ولی در مورد اطلاعات عمومی پرسشنامه بعضی از دادهها از نوع کمی یا کیفی و در پاره‌ای موارد رتبه‌ای بود که از طریق آمارهای توصیفی برای دستیابی به اهداف این پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل دادهها، یافتهها در چند قسمت به قرار زیر تقسیم و تجزیه و تحلیل شدند:

الف: ارتباط کل نگرش (بعد شناختی، عاطفی) والدین با مشخصات آنها از قبیل سن، میزان تحصیلات و...

ب: ارتباط نگرش (ابعاد شناختی، عاطفی) نوجوانان دختر با مشخصات کلی آنها از قبیل سن، رشته تحصیلی و...

ج: مقایسه امتیاز کلی پرسشنامه نگرش پدران با امتیاز کلی پرسشنامه مادران در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری نوجوان

د: مقایسه امتیاز کلی پرسشنامه نگرش نوجوانان دختر با پدران و مادرانشان در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری نوجوان

ه: مقایسه امتیاز کلی پرسشنامه نگرش هر یک از والدین با امتیاز کلی پرسشنامه دختر نوجوان در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری آنها

ن: مقایسه نگرش پدران با دختران نوجوانشان در مورد نقش گروه همسال نوجوان درباره تصمیم‌گیری آنها در شهر تهران.

و: مقایسه نگرش مادران با دختران نوجوانشان در مورد نقش گروه همسال نوجوان درباره تصمیم‌گیری آنها در شهر تهران.

در قسمتهای فوق برای تجزیه و تحلیل صفات کمی (سن، تعداد کل فرزندان) از ضریب همبستگی پیرسون^۷ استفاده شد برای صفات کیفی (میزان تحصیلات، نوع شغل و...) آزمون آماری کای دو^۸ بکار رفت ولی به علت محدودیتهایی که برای این آزمون بوجود آمد بالاچار تعدادی از سطر و ستونها ادغام شد و در نهایت برای دستیابی به قضاوت صحیح تر درباره همبستگی از آزمون دقیق فیشر استفاده شد که برای انجام محاسبات مفصل این آزمون از کامپیوتر استفاده شد.

نتیجه‌گیری نهایی^۹

یافته‌های این پژوهش که از طریق

تنظیم جداول توزیع فراوانی مطلق و نسب بر اساس پاسخ نمونه‌های مورد پژوهش به سؤالات مطرح شده و استفاده از آزمونهای آماری کسب گردیده، بیانگر نگرش والدین و نوجوانان دختر در مورد نقش گروه همسال نوجوانان در تصمیم‌گیری آنها در شهر تهران و مقایسه نگرش آنها است.

نتایج حاصله به طور کلی نشان می‌دهد که متغیرهای سن، میزان تحصیلات، شغل، تعداد کل فرزندان در کل نگرش والدین مؤثر نبوده است، همچنین متغیرهای سن، رشته تحصیلی، تعداد دوستان صمیمی، چندمین فرزند خانواده کل نگرش نوجوانان دختر تأثیر نداشته است.

به طور کلی یافته‌ها نشان داد پدران و دختران نوجوانشان در مورد مشورت نوجوان با گروه همسال موارد شرکت در فعالیتهای سیاسی اجتماعی، انتخاب همسر، انتخاب شغل، یافتن راه حل مشکلات شخصی، احساس ترس و ناامید شدن اکثراً نگرش مخالف داشتند. اکثریت در موارد انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب فعالیتها سرگرمیها اوقات فراغت، انتخاب دوست، شرکت در مجالس مذهبی، انتخاب کتابهای غیر درسی، گذراندن برنامه‌های تفریحی با همسالان، احساس رضایت و آرامش در نتیجه مشورت نوجوان با گروه همسال نگرش موافق داشتند. در مورد احساس بی‌کفایتی و ضعف در نتیجه مشورت نوجوان با گروه همسال، انتخاب لباس و آراستگی ظاهر نگرش خنثی داشتند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان اذعان نمود که مادران و دختران نوجوانشان در مورد مسئله مشورت نوجوان با گروه همسال در

موارد استفاده در پرستاری
از آنجائی که شواهد نشان می‌دهد بهترین راه شناخت و کسب اطلاعات درباره خصوصیات

بکار گرفته شود. همچنین پرستاران به ویژه روانپرستاران و پرستاران بهداشت جامعه به عنوان یکی از اعضای گروه بهداشت و درمان، در امر توسعه و ارتقاء بهداشت روانی و درمانی جامعه و خانواده می‌توانند در آموزشهای خود به والدین و نوجوانان از نتایج این گونه پژوهشهای استفاده کنند.

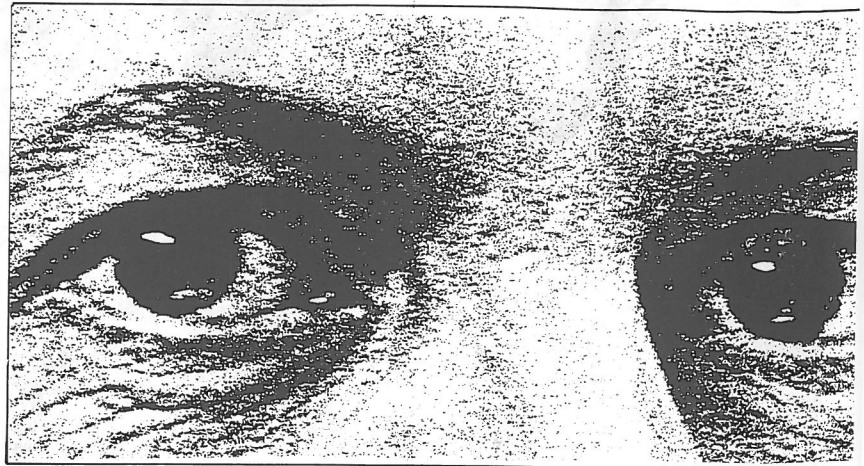
همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند در آموزش و مکانیسم رشد و تکامل در دوران بلوغ به پرستاران به منظور هر چه بیشتر آشنا ساختن آنها با روند رشد و تکامل و بحران این دوره و عوامل مؤثر بر آن، مورد استفاده قرار گیرد.

در خاتمه امید است اطلاعات کسب شده از این پژوهش در یک بعد وسیع اجتماعی خانوادگی الگوی مناسبی از چگونگی نگرش نوجوانان دختر و والدینشان ارائه دهد.

منابع مطالعه این پژوهش در دفتر کمیته انتشارات موجود است.

پی‌نگاشتها:

- 1- Athkinson and Etall
- 2- Mussen and Etall
- 3- Crew
- 4- Field Study
- 5- One Variable
- 6- One Shot
- 7- Pearson Product-moment Correlation
- 8- Chi-Square
- 9- Fisher Exact test



موارد خرج کردن پول، یافتن راه حل مشکلات شخصی، انتخاب و شرکت در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، انتخاب همسر، احساس ضعف و بی‌کفایتی در نتیجه مشورت نوجوان با همسالان نگرش مخالف داشتند، در حالیکه در موارد انتخاب کتابهای غیردرسی، شروع یا ادامه ورزش، شرکت در کلاسهای علمی و مذهبی، انتخاب دوست، شرکت در مجالس مذهبی، گذراندن برنامه‌های تفریحی با همسالان، انتخاب فعالیتهای سرگرمیهای اوقات فراغت، انتخاب رشته تحصیلی نگرش مثبت داشتند.

به طور خلاصه می‌توان چنین استنباط کرد که نگرش پدران و مادران تا حدود زیادی نظیر هم بوده است و اینکه در پاره‌ای موارد مشورت با گروه همسال در هنگام تصمیم‌گیری به عنوان افراد مرجع مورد پذیرش و موافقت آنها نبوده است.

نوجوانان توجه به نوع نگرش، مشاهده دقیق رفتار آنها و در موقعیت و شرایط طبیعی دقت به کنش‌های نوجوانان در زندگی عادی و روزمره می‌باشد، لذا امید است دانشگاهها و دیگر مؤسسات آموزش عالی بهره‌گیری از نتایج چنین پژوهشهایی در آگاه کردن توده مردم به نقشی که می‌توانند در اعتلای شرایط بهداشتی خویش و بهداشت جامعه خود به عهده‌گیرند، همکاری لازم را به عمل آورند و مفاهیم اجتماعی و فنی «بهداشت برای همه» را در آموزش تمامی دانشجویان دوره‌های عمومی و تخصصی (به ویژه دوره‌های پرستاری، بهداشت پزشکی، پیراپزشکی، روانشناسی بالینی) بگنجانند و توده مردم را با این مفاهیم آشنا سازند. در این ارتباط نتایج این پژوهش می‌تواند در آموزش پرستاری، درس روانپرستاری، درس روانشناسی



A comparison between parents and adolescents' attitudes about the role of peers in decision making in Tehran.

Authors: Akhtar Ebrahimi, Mohammad Majd Teimoori, Behrooz Birashk, Parviz Kamali.

Abstract: This is a cross sectional study with aim of assessment and comparison between parents and female adolescents' attitudes about the role of peers in decision making of adolescent in Tehran. In this study 160 mother, 160 father and 160 female adolescents participated. With random selection 160 female adolescent with 14-19 years old from North, South, East and West of Tehran were selected and their parents invited to participate in this study. Data collection tool was a questionnaire that prepared by the researcher. With presence of researcher in high schools distributing and collecting questionnaires was carried out. Results showed that age, level of education, job, number of children and geographical location of her parents' house had no effect on their attitudes. Also age, field of education, number of close friends, birth order, location of house, had no effect on adolescents' attitude. There were some differences in comparison between attitudes of mothers and fathers with adolescents. According to findings attitudes of adolescents about the role of peers in decision making differed from their parents.

Keywords: parents, adolescent, peers, decision making.